

VERTIGO
#1

**THE NEW FILM BY
QUENTIN TARANTINO**

Feb '13
suggested for
mature readers
vertigocomics.com



DJANGO

U N C H A I N E D

www.filmibuzz.it

DJANGO UNCHAINED

FOREWORD:

Not only do I love comic books, I especially love Western comic books. Growing up, I read the adventures of *Kid Colt Outlaw*, TOMAHAWK, *The Rawhide Kid*, BAT LASH, and especially *Yang* (which was basically the “Kung Fu” TV show done as a comic), and *Gunhawks* featuring Reno Jones (a Jim Brown stand-in) and *Kid Cassidy* (a David Cassidy stand-in), which for my money was the greatest Blaxploitation Western never made. Not to mention the Gold Key comics of popular Western movies and TV shows (the class acts of that bunch are the comic version of Delmer Daves’ “Drum Beat” and Howard Hawks’ “Rio Bravo”). And it’s in that spirit of cinematic comics literature that I present to you DJANGO UNCHAINED.

“Django Unchained” is a big epic Western. When I write my big, epic scripts like this or “Kill Bill,” there’s a lot of stuff that doesn’t make it into the movies because they are just too f-ing big. If I were to do everything that’s in the scripts, they would be four-hour movies. So there’s always this aspect that the script is a big literary piece, and I’m always changing it and conforming it to fit it into a movie. And that’s the process. I’m always stuck with having to adapt my movies every day.

What’s really cool about doing the DJANGO UNCHAINED comic book is that it’s the ENTIRE SCRIPT. So even though things might have changed from the script to the finished movie—I might have dropped chapters or big set pieces—it will all be in the comic. This comic is literally the very first draft of the script. All the material that didn’t make it into the movie will be part of the finished comic book story. Hope you enjoy the effort.

Happy trails,

Quentin Tarantino



...KLIIN - CLANG - DLEN - CLIN....



فیلم بازار

DJANGO

UNCHAINED

ADAPTED FROM THE ORIGINAL SCREENPLAY BY QUENTIN TARANTINO

ART: R.M. GUÉRA
(FLASHBACK SEQUENCES BY JASON LATOUR)
COLORS: GIULIA BRUSCO
LETTERS: SAL CIPRIANO
VARIANT COVER: JIM LEE
VARIANT COVER COLORS: ALEX SINCLAIR
ASSISTANT EDITOR: SARAH LITT
EDITOR: JIM CHADWICK

بر اساس فیلمی از کوئنتین تارنتینو
ترجمه: تیم ترجمه سی زیر نویس فارمن
ویرایش و ترجمه سی قسمت های اضافی:
تسین مرشدین
پارینتی نهایی و انتشار: فیلم بازار
www.filmbuzz.ir





فیلم بازم!



اون کیه که داره
توی تاریکی پرسه میزنه؟
بگو کارت پیه، وگرنه برای مردن
آماده شو!



آروم باشید آقایون، من قصد ندارم
بهتون آسیب بزنم.
من فقط به مسافر ساده و خسته ام.



عصر سرد عالی
متعالی
عصر به غیر



من دنبال دو تاجر برده میگردم.
اسمشون برادران «اسپک» هست.
آیا شما همونا هستید؟

کی
میترواد بدونه؟

فب، من! بنده دگتر
کینگ شولتز هستم و این هم
(اسیم فریتز هست.

تو دگتر هستی؟

په نوع دگتری؟

بله، من دگتر هستم.



دندارت پزشک، حالا، آیا شما برادران
اسپک هستید و این آقایون رو در عراجی
برده سی «گرینوویک» خریداری کردین؟

فب
که چی؟

من میتروام
با شما
دیالوگ بکنم.



انگلیسی حرف
بزن، بابا.

اوه، من شرمندم ام
لطفاً منو ببخشید
په هرتال زبون دومه ریگه.

در میان این کلاه‌های شما، کمون میکنم.
شخصی هست که مایلیم بفروش.



سلام به شما، شیطون‌های بیچاره
در بین شما کسی هست که سابقاً
در مزرعه سی «کاروکان»
ساکن بوده؟



من از مزرعه سی
کاروکان میام.



دمت گرم! اسمت چی هست
مرد جوان؟

یانکو

فیلم یانکو



واندرباراتو دقیقاً کسی هستی که دنبالشم. فب تالا بگو چانگو-در هر حال این اسم عجیبه-در مدت زمانی که در مزرعه ی کاروکان بودی. سه نکهبان با نام برادران بریتل میشناختی؟ چان گنده هه، الیس و برادر کوچکتر، راج-که بعضی وقتا راج فسقلی صداش میکردن؟

اونا برادران بریتل هستن

تالا چانگو، اکه ایمانا دوباره اونارو ببینی میتونی شناساییشون...



انگلیسی صحبت کن، لعنتی!

همگی به اعصاب خودشون مسلط باشن. من فقط یک مشتری هستم که دارم سعی میکنم به معامله رو به انجام برسونم

به من چه، اینا فروشی نیستن بزن به چاک.

اوه... اینقدر غنک نباشید. معلومه فروشی هستن!



هی، اینجوری باهاش صحبت نکن

چطوری؟

اینطوری!

دوست عزیز، من فقط خیلی ساده دارم «اسکرزیت» میکنم...



بزن به چاک



برادر، لطفا آرام باش این کار رو فقط برای گرفتن به اوست دراماتیک انجام دادی؟ یا واقعاً با قصد کشتن، اون اسلحه رو به سمت من گرفتی؟



شانس آفرته بچه نوشکال

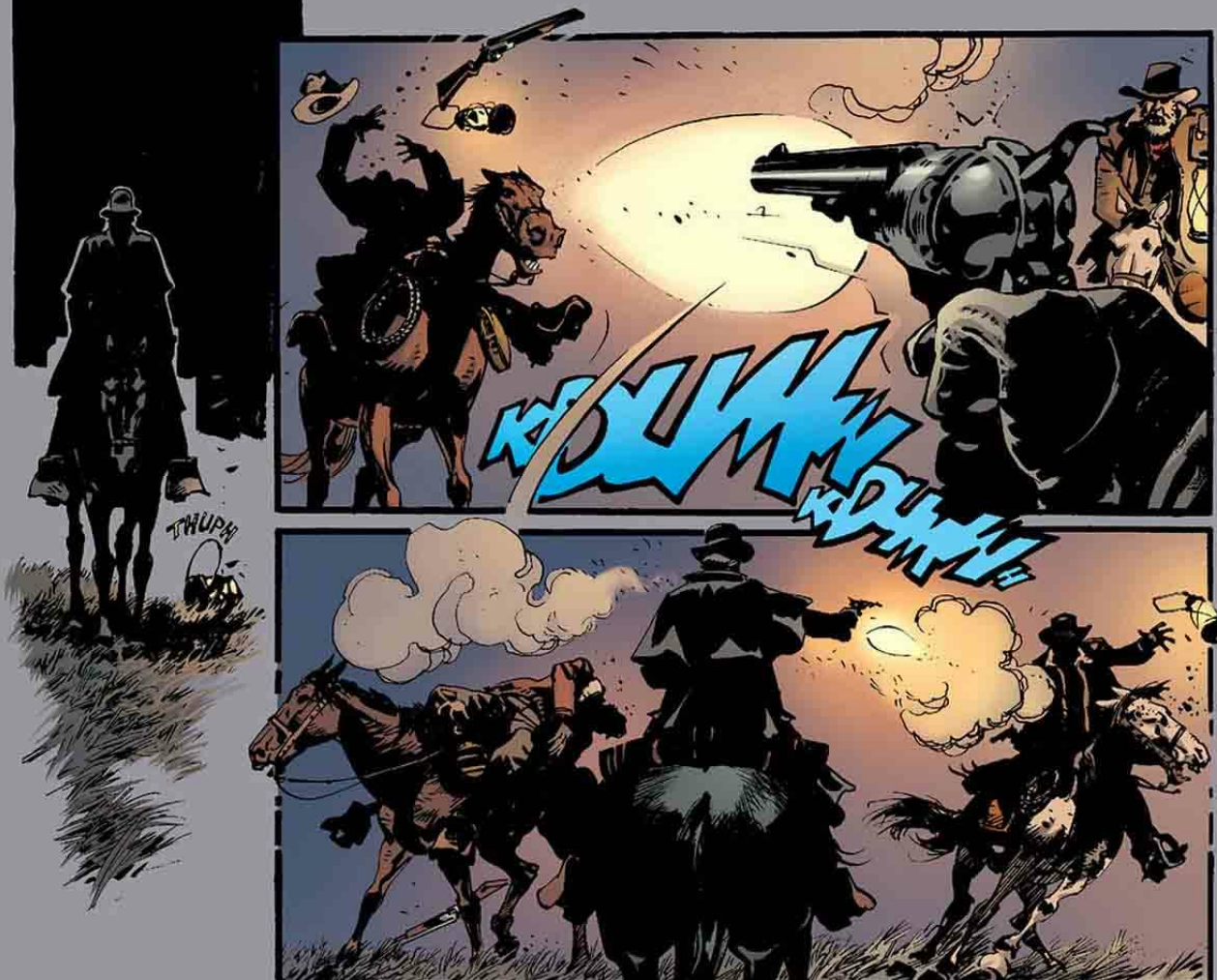


خیلی خوب...

www.filmbuzz.ir

فیلم باز!!

www.filmbuzz.ir



شرمنده که میبور شدم به اسبت
شلیک کنم.
نمیخواستم تا قیام از اینکه سر عقاب بیای
کار عیولانه ای انجام بدی



مرومزه ی
آشغال!
تو دریس، رو
کشتی.

هی، من فقط زمانی
به برادرت شلیک کردم
که اون منو با تفنگش
تهدید کرد و مطمئن
هستم که ما...

یک، دو، سه، چهار، پنج...
شش تا شاهد داریم
که میتونن به این
حقیقت، شهادت بدن.



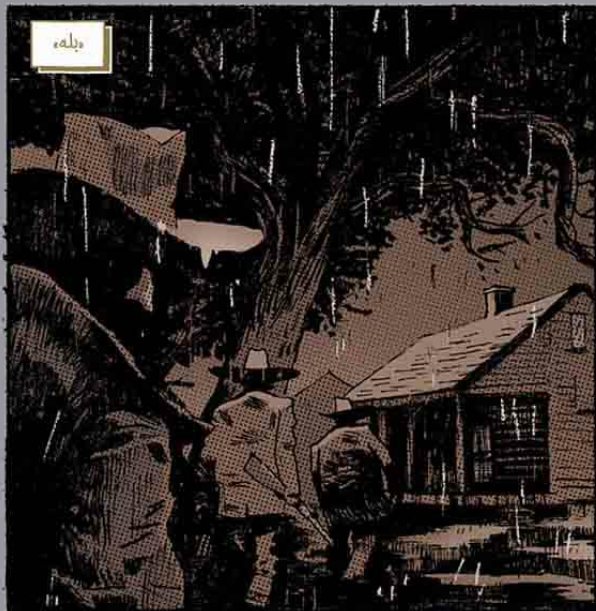
پای لعتنیم
گیر کرده.

درسته. حالا اگر لطف کنین این
فریاد زدنتون رو تا حد ممکن پایین بیارین.
چون میتوام اگه بشه پرسن و جوم
با جانگو جورن رو، به اتمام برسونم.

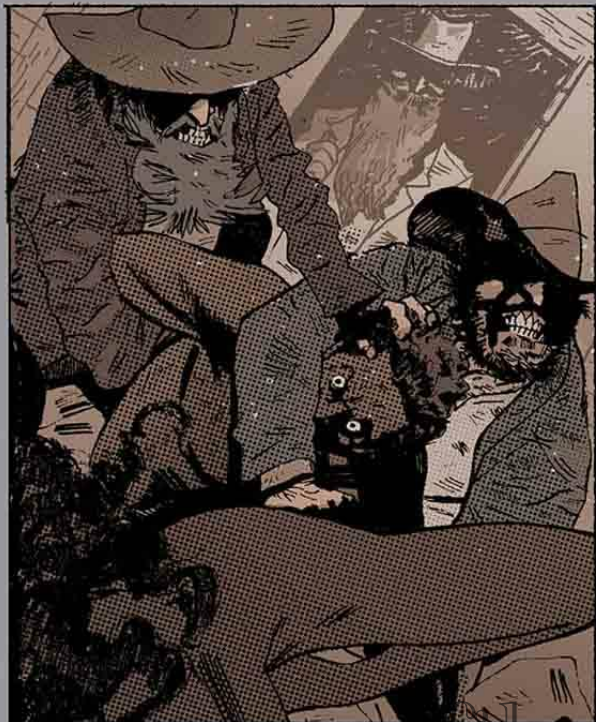


همون طور که داشتیم می گفتیم.
گفتی اگه برادران بریتک رو ببینی
میتونی شناساییشون کنی؟

من الان مطمئنم که همه ی مردهای
سفید پوست ریش دار برای تو مثل هم هستن.
حالا چنانکه در یک جمعیت از مردان ریش دار
سفیدپوست میتونی صادقانه برادران
بریتک رو تشخیص بدی؟



دبلمه



فیلم بازا



جانگو؟

بله، میتونم اونارو
تشتیص بدم.



من دارم
پامو از دست
میدم.



آرممن هم نگرانم که یه پزشک
توب پیدا نکنی و میبور پش پاتو
قطع کنی. به معامله برگردیم!
پقدر برای جانگو میتوای؟

برو به
جهنم!

اعمق نباش!
پقدر برای جانگو
میتوای؟

۸۰۰ دلار



اوه اینو ببین! شاید من
در تجارت برده ها به اندازه ی
تو و خانواده تیره نداشته باشم
ولی بچه ی دوساله م نیستم!

توی این کتابچه ی مفیدی که از
عزای برده ی گرینویک برداشتم
اومده که قیمت یک آفریقای-که
معمولا کاکاسیاهای مزرعه هستن- بین
۶۰ تا ۸۰ دلار.



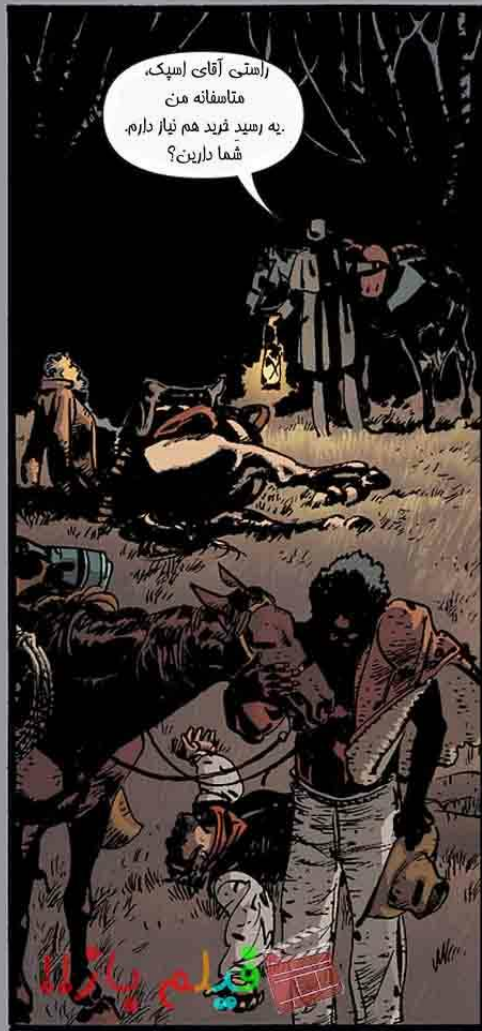
عالا توشکله! شکج نیست که جانگو چی
هست. اون یک کاکاسیاه مزرعه هست و توی این
کتابچه - و پرا باید توش دروغ بنویسن؟- قیمتشو ۸۰
دلار زند. یا روشن شدن این موضوع، نظرت در مورد صد و بیست
و پنج دلار برای جانگوی جوان چیه؟



و چون برادر فداییها زت دیگه
نمیتونه ارش استفاده کنه،
اسیشم میفرم.



عالا جانگو، به پاهات یه استراتی
بده، بعدش سوار اون اسب شور استی (که پای
تو بوم اون کت زمستونی رو که از اسپک مرعوم
باقی مونده برمی داشتم.



آقای اسپک، دوست دارم بکم از معامله با شما خوشحال شدم اما خدمات مشتری شما راه زیادی تا اونجه که میتوام دارم.

تالا شما شیاطین بیچاره...

اوتپور که من می بینم، اگر قرار باشه موضوع اینکه در قدم بعدی چکار میکنید رو بررسی کنیم، میگویم که شما تا راه دارید.

یک: بعد از اینکه من رفتم، میتونین اون اسب رو از روی آقای اسپک بردارین. و به نزدیکترین شهری که اینیاست، منتقلش کنین. که برگشت از راهی که اومدید حداقل ۶۰ کیلومتر هستن.

فیلم باز!!



...یا راه دوم: میتونین خودتون رو آزاد کنین تفنگ رو بردارین، به تیر بزینن تو سرش بفتشون رو فیلی عمقی خاک کنین. و بعد راهتون رو بکشین و به جای روشنتری در این کشور برین.

تصمیم یا خودتونه

اوه، و از اونجایی که احتمالا بین شما کارشناسی در علوم ستارهشناسی نیست، ستاره ی شمال اونه یکه!... به سلامت.



یادتون نره یه کوشمالی کوچیک هم هیش بدید فیلی سنت نیس





پرا همه
اینطوری به ما
زک زدن؟

تا حالا ندیدین که
یه کاکاسیاه
سوار اسب بشه

پرا اسب سواری تو
اینقدر عجیب فکر اونارو
مشغول کرده؟

داری
از من
میپرسی؟

آته این چه تشریفات مستره ایه
که شما خودتونو باهاش درگیر می کنی؟

من فقط سعی میکنم به یه
تعمیرت درست از باید ها و
نیاید های شما برسیم. این که
پرا شما بعضی کارها رو
نیاید انجام بدید؟

برای نمونه، چه میشه اگه
ما در سالن اینجا قدم بزنینم،
پشت میز بشینیم، نوشیدنی سفارش
بدیم و بتوریم؟ مسئولای اونجا به
این دلیل به ما اقم میکنند؟

آره کافئالا
اونجا اقم میکنند.

کدوم قسمت این کارها
بی ادبانه ه؟

همه ش. من نباید توی سالنی
قدم بزیم. وقت ندارم ماتمو روی هیچ
صندلی ای بزارم. و پشت هیچ میزی
بشینم. من نباید شراب بتورم و
اصلا نباید اونجا یا یک مرد سفید توی
اجتماع شریک بشم.

خب اگه ما این کارارو بکنیم،
کافیه برای اینکه صاحب مغازه
کلاتر رو غیر کنه؟

حاضرم شرط ... بیندم.



پس در این صورت،
اول شما بفرمایید

اووه... نه،
من بریمه نمیدم
من نیاید برم اونجا

چانگو، تو باید یاد بگیری به من
اعتماد کنی، طریقی می گفتم:
ضایع مکن این دم از دلت شیرا نیست



صبر بفرما، اوستلا
دوتا آبیو برای دوتا
مسافر فسته



هلو، که کله سترم،
تا به ساعت دیگه باز نمیکنیم.
اما عوضش اون موقع صیحوئه م داریم.

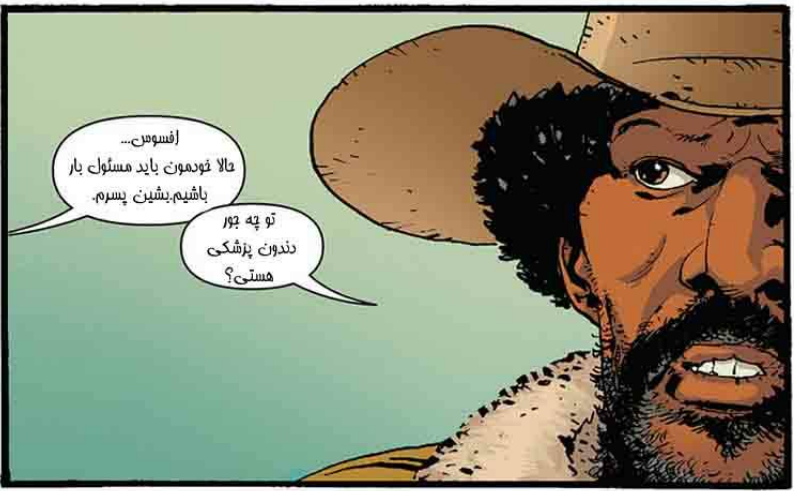
وا، وا، وا،
فکر میکنی داری چه غلطی
میکنی پسر؟ اون کاکاسیاه رو
از اینجا بنداز بیرون.

پند لفظه بعد...



آقا یادت باشه. کلاتر رو بیاری نه سرکلاتر. این در حیظه ی اختیارات سرکلاتر نیست.

اونطوری که من میدونم این فقط یه قانون شکنی ساده در حد قوانین کشوریه و در حیظه ی مسئولیت های کلاتره



افسوس... حالا توهمون باید مسئول بار باشیم. بشیرت پسرم.

تو چه جور دندون پزشکی هستی؟



من توی ۵ سال اخیر دقلی توی دندان پزشکی نداشتم. حالا که میشناسمت میگویم من اصلا دوست ندارم توی اون دهن نگاه کنم - مطمئنم پندش آورده - اما این روزا مشغول یه کار دیگه م... جایزه بگیر.



میدونی جایزه بگیر چیه؟

نه



خب، همونطور که توی تبارت برده چون انسان در ازای پول معامله میشه جایزه بگیر هم با جسد معامله میکنه. دولت ترقی رو روی سر یه آدمی میذاره. من دنبال اون شخص میگردم. پیدارش میکنم. می کشمش.

و بعد از اینکه کشمش، جسد اون شخص رو پیش مقامات می برم. و البته بعضی مواقع گفتنش از انجام دادنش آسون تره. بعدش جسد رو به مقامات مسئول نشون میدم که بگم بله. واقعا این بنده خدا رو کشته م و اونموقع هست. که مقامات هم ترفش رو بهم پرداخت میکنند.



این ترف چیه هست؟

یه جور جایزه من یعنی تو آدم میکشی و اونا بهت جایزه میدن؟

آدم های مشغول آره.

مفید پوست؟



اکثراً، البته چند تا مکرریکی و
چینی هم هستن
آدمای بد؟

هرچی بدتر باشن، جایزه شون هم بیشتره و اینتین، راه من به تو خورد
و باید اعتراف کنم که وقتی قضیه‌ی جناجالی وسط کشیده میشه،
من به مقدار کیچ میشم از یک هفت، از برده داری متفهم
از جهت دیگه به کمک نیاز دارم و تو هم اونقدر در موقعیتی
نیستی که بتوای جواب رد بدی پس فعلاً، من از این
برده داری به نفع خودم استفاده میکنم.



کرچه با ذکر این نکته که...
افسانه گناه هم میکنم، ولی...
مایلم تا ما وارد په‌پور قرارداد بشیم

من دنبال برادری بریتک می‌کرم
کرچه برای رسیدن به این هدف
تلاش کردم ولی به مشکلی در این راه
دارم و اونم اینته که تا الان
نمیدونم چه شکلی هستن.



ولی تو میدوننج...
مکه نه؟



توب میدونم چه شکلی هستن
توبه. تب این قرارداد
منه. تو با من سفر میکنی
تا وقتی که پیدا شون کنیم.

کیا می ریم؟



شنبه م که حداقل دونفر شون دارن توی
کاتلینبورگ، روی مزرعه‌ای قطارت میکنن
اما نمیدونم کوم مزرعه. این به این معنیه که
ما به تک تک مزرعه‌هایی که توی کاتلینبورگ
هست سر میزنیم تا پیدا شون کنیم... و وقتی
پیدا شون کردیم تو اونارو بهم نشون میدی
و منم دلفشون رو میارم اکه تو اینکارو
بکنی من هم آزادت میکنم.



و همونطور که
انتظارش میرفت...
کلاتر هم از راه رسید.

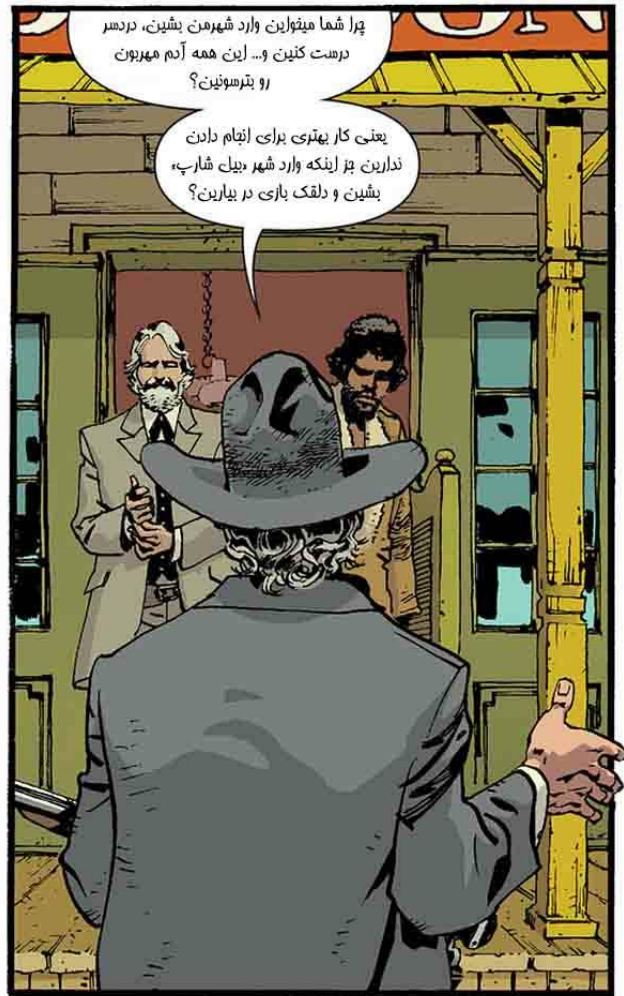


... و هم بابت هرکدوم از برادرای بریتک بهت ۱۲۵ دلار
میدم که در مجموع میشه ۲۵ دلار
و همین طور اسبت که قبلا بهت داده م.

اما همون موقع که آخرین نفر
از بریتک ها کور به کور شده‌ن
برایت یک زین خریدم سه فرم، و یک
دست لیامن نو، کلاه قشنگ کابویی
هم شاملش میشه.



په ها، عشق و
حال تعطيله
بباید بیرون.



چرا شما میتواین وارد شهرمن بشین، درهبر
درست کنین و... این همه آدم مهریون
رو بترسونین؟

یعنی کار بهتری برای انجام دادن
ندارین جز اینکه وارد شهر دیبله شارب،
بشین و دلک بازی در بیارین؟



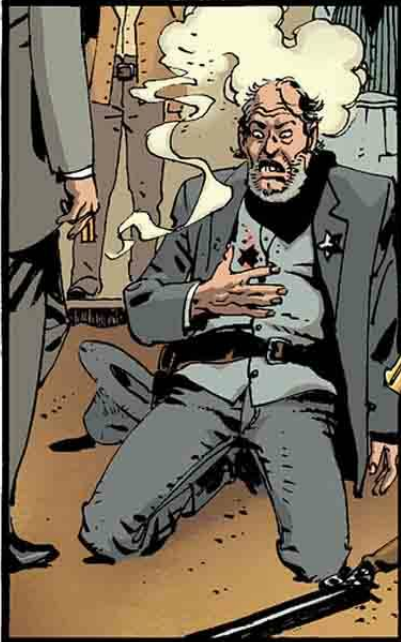
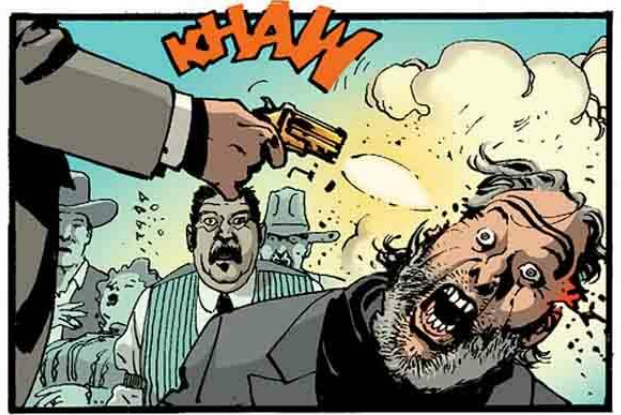
کواکوا



پاپ

فیلم باز!!

www.filmbuzz.i



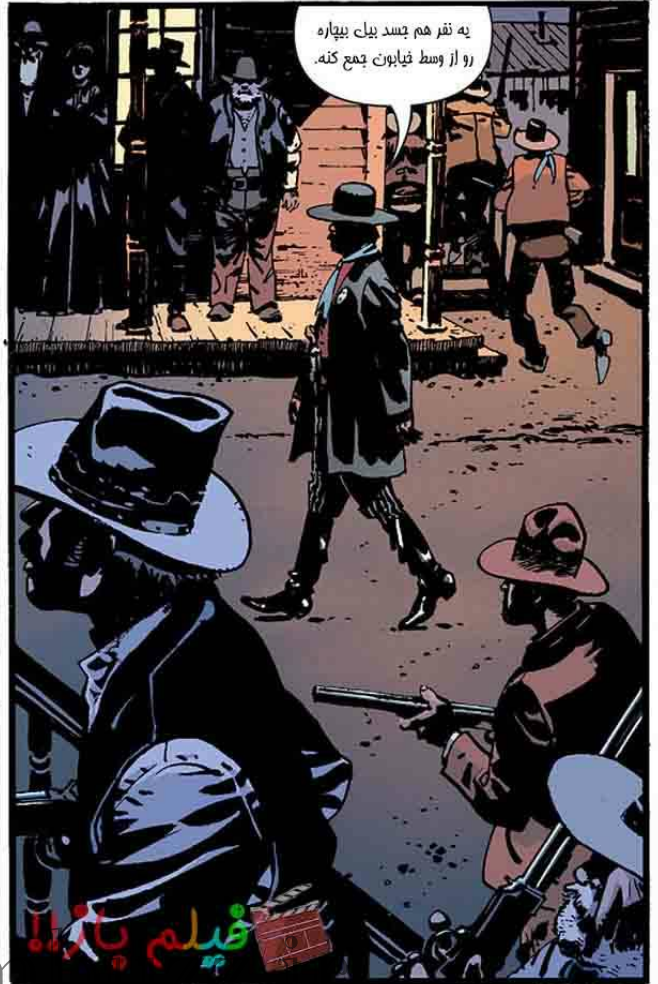
چه بلایی سر کلانترمون آوردی؟

تالا میثونی
سر کلانتر رو صدا کنی.



اون درشکه رو ببرین اون طرف خیابون، مقابل سالن بذارین
...میثوم شیش نفر مسلح پشتش باشن.

میثوم دو نفر مسلح هم روی این سقف باشن
دو نفر مسلح هم روی اون یکی سقف
همه به سمت در ورودی نشونه بگیرن



یه نفر هم جسد بیل بپاره
رو از وسط خیابون جمع کنه.



اونا دارن
چکار میکنن؟

فکر میکنم از این
که داری پیانو میزنی
تعجب زده هستن.



توبه، ولی چکار
دارن میکنن؟

یه گروه نظامی دارن یه درشکه رو میارن
رو به روی در اینجا و دارن میرن پشتش
قایم میشن. یه چند تا هم روی سقف هستن و
تنگاشونو به سمت اینجا نشونه گرفته ن

لعنت، اونا سریع سازماندهی
شدن. سرکلانتر ارون بیرونه؟



اگه درست درجه زده باشم
ارون مرده سرکلانتره و میتونم
بگم اونجاس.

چی باعث شد فک کنی
ارون سرکلانتره؟

آفه داره آماده میشه
که صحبت کنه.



شما یه که
تو سالتیدا

یازده تا ارسله به تک تک راههای فروری
ارون سالن نشونه رفته فقط یه فرصت برای زنده
در آمدن از این مقصده دارین. فوریت و کاکاسیاهت
همین الان دستاتون رو میگیرین بالای سرتون و
میاین بیرون... و همین الان هم میاین بیرون!



منظورت ملاح کاریه که سر
کلانتر، مون آوردی؟ مت سگ
وسط خیابون کشتیش؟

بله، دقیقاً منظور بنده
همینه!
یعنوارت مرد قانون
قول شما رو دارم
تا به من ملاح سگ وسط
خیابون شلیک نکنین؟

کرچه همه مون خیلی دوست داریم
همچین چیزی رو ببینیم، ولی تویی شهر من هیچ کس
کار یلادو نمیکنه.



من الان اقتدار صحبت با
سرکلانتر رو دارم؟

بله، من سرکلانتر
کیان تاووم هستم.

واندریار، سرکلانتر
من تووم رو کاملاً قطع سلاح کردم و همونطور
که فرمودی آماده‌ام تا پیام بیرون در حالیکه دستام
بالای سرمه.
مطمئنم طبق قانون سیستم کیفری ایالات متحده
امریکایه از این که نام به دادگاه باز بشه
شما یا همکاراتون نباید توی خیابون به بنده
شلیک کنید.



اونا اون بیرون په مقدار
عصبیه هستن.
برای همین عیولانه رفتار کنن
و بنار من صحبت کنن.

عادلانتهست سرکلانتر.
ما اومدیم



اسلحه که ندارید؟

البته که نه.
سرکلانتر تاتوم، میتونم توجه شما،
همکارانتونو ظاهرأ کله شهر داتری، رو
په سو تفاهمی که رخ داده جلب کنم؟

بگو.



اسم بنده دکتر کینگ شولتر هست،
و من هم مثل شما خدمتکار دولت هستم.

مردی که اوبتا توی خاک و فاج مرده مردی که مردم
توب داتری، اوقدر مناسب دیدنش تا به عنوان
کلانترشون انتخابش کنن. مردی که اسمش در اینجا
دیجلا شارب، هست. در اصل قانونشکنی تحت تعقیب به نام
«ویلارد پک، هستش که جایزه‌ای به مبلغ دویست دلار
هم روی سرش قرار داده حالا این دویست دلار برای زنده
یا مرده‌ی این آقا هستش.

چی داری زر
میزنی؟

فیلم بازه!



میدونم که این اتفاق احتمالا نکته‌ی مایوس کننده‌ی هستش.
اما شرط می‌بندم که این مرد طی دو سال گذشته
بعنوان کلانتر انتخاب شده‌از این جهت میدونم چرا که سه سال پیش
ایشون از کمپانی اشام بی‌سی کوریکان
اسب‌های رو خریدیده بود.

حالا این حکم رو قاضی دادگاه
منطقه اچ به نام «آرن لاورد میلک،
از آستین تگزاس، صادر کرده.



میتونید با ماشون ارتباط برقرار کنید
ایشون تصدیق میکنن که بنده
کی هستم و کلانتر مرحوم
شما چه کسی بود

په عبارت دیگه، سرکلانتر
شما به من دویست دلار
بدهکار هستید.



هر کسی به به برنامه نیاز داره. زمانه وحشیه و کسی میتونه از اون جون سالم به در بیره که برنامه داشته باشه. شب باتوجه به چیزایی که گفتیم، جانکو برنامه ت چیه؟

منظورت چیه؟
شب... بعد از اینکه کارمون با برادران برینجا تموم شد تو دیکه میشی به مرد آزاد با به اسب و هفتادویغ دلار پول تو ییبی بعدش چه برنامه‌ای داری؟



زتم رو پیدا کنیم... و آزادیش رو بفریم.
جانکو...
روصمم غیر نداشت که تو متاهلی؟
برده ها به ازدواج اعتقاد دارن؟



چت؟
برده ها به ازدواج اعتقاد دارن؟
من و زتم که داشتیم.



اون الان کجاست؟
نمیدونم... اونا ما رو تو دوتا واکن جدا گذاشتن و به تراجی کرنیول فرستادن. رت من رو دو روز قبل از من فریدن. اما نهی دونم کی فرید.



کوشت میپوری؟
تتما



پس نقشه ت اینه که همسرت رو پیدا کنی و آزادیشو بگیری؟ فقط نمیدونی اون کجاست؟
آره
شب این نباید خیلی سخت باشه. چند وقت پیش این اتفاق افتاد؟



سه چار ماه پیش
سه یا چهار؟
سه



پس اون از مزرعه ی کاروکان اومده و سه ماه پیش در تراجی کرنیول به به ناشناس فروخته شده.
آره.





وقتی ما وارد اون مزرعه ما شدیم، باید نقش بازی کنیم. تو نقش یه شخصیت رو بازی میکنی. اما در عین حال نقش بازی میکنی نمیتونی هیپوکت از نقشت خارج بشی. شخصیت تو هم یک پیشخدمت هست.

حالا چانگو شاید بتوای لباس شخصیت رو انتخاب کنی.



می‌توای خودم لباسای خودم رو انتخاب کنم؟

آره دیگه.



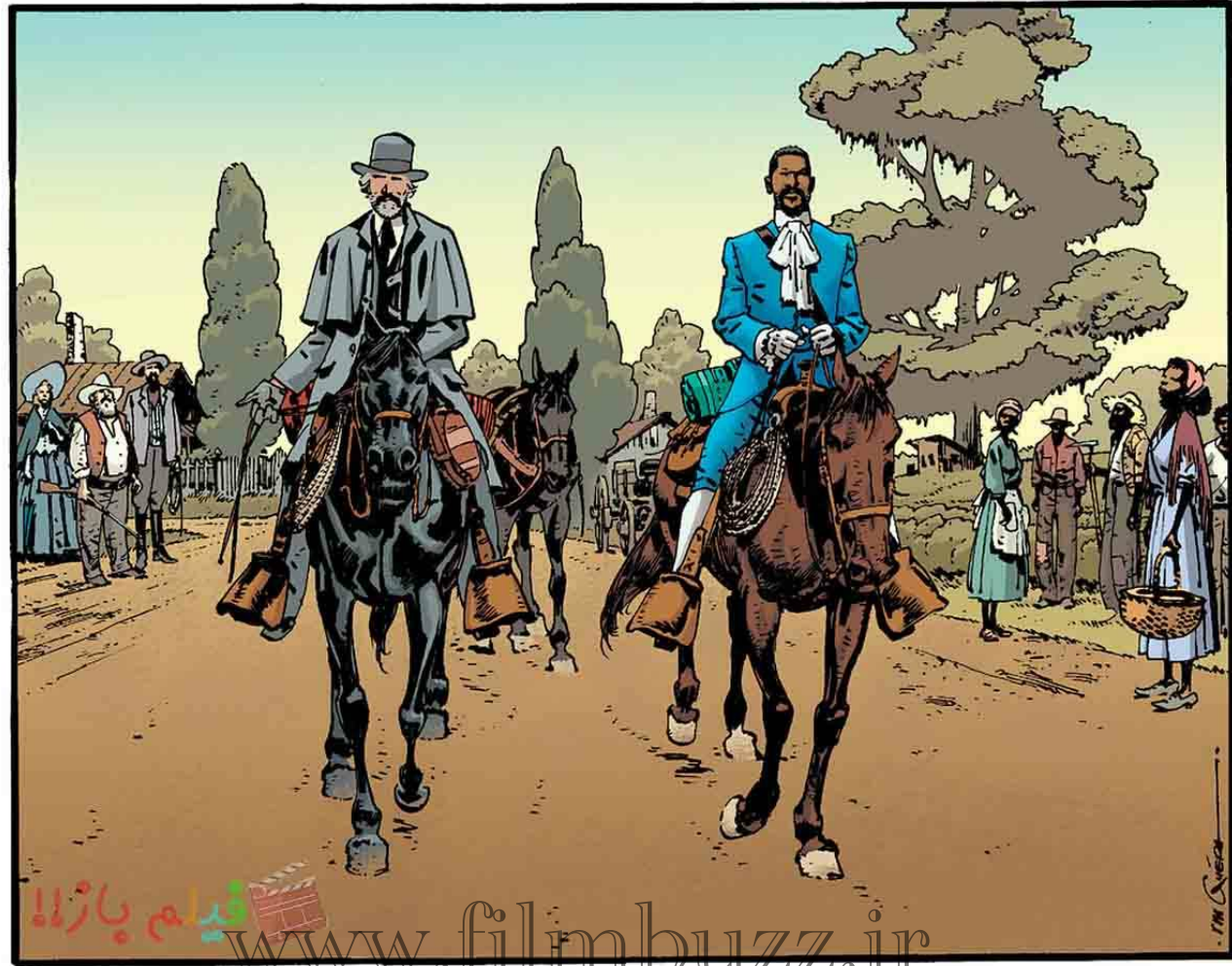
پس من اینو انتخاب میکنم

اگه اینطور باشه، توای این لباس خیلی عالی شدی. شاید بتوواهی به یکی دیگه که - چه می دونم - کمتر تو چشمه فکر کنی.



این شخصیت الینه که هست و شخصیت من یک پیشخدمته. درست؟ بله

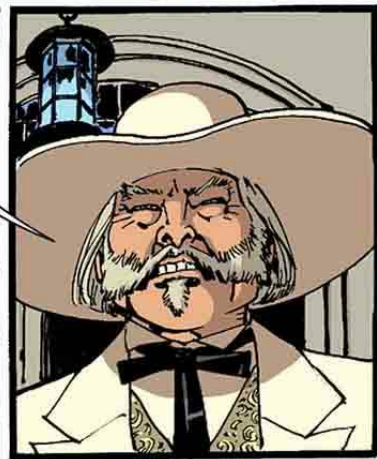
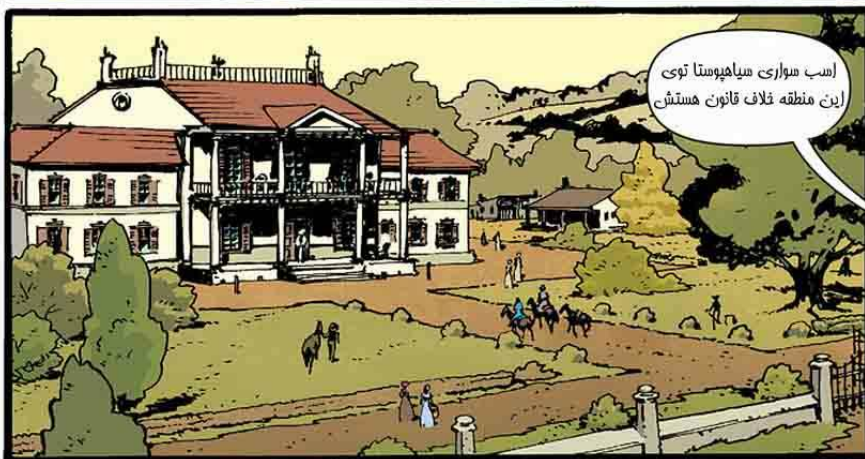
خب، پیشخدمت من اینطوری لباس میپوشه. به جز این آبی رنگ مورد علاقه منه



فیلم بازار!

www.filmbuzz.ir

TM Quesca







بتینا عزیزم، میتونی جانگو رو بری و این دور و بر بپزونی و جاهای خوشگل رو نشونش بدی؟

هرچی شما بگید اریاب.

اوه، اقای بنت، باید بپتون یادآوری کنم که جانگو یک مرد آزاده، نباید باهاش مثل یک برده رفتار بشه. باید دقیقاً طوری باهاش رفتار بشه که با آدمی مثل من رفتار میشه.



متوجهم شالتر، بتینا؟

بله قربان

جانگو برده نیست، جانگو یک مرد آزاده. متوجهی؟ نمیتونی باهاش مثل برده‌هایی که اینجا هستن رفتار کنی. چون مثل برده‌هایی که اینجا هستن نیستن، متوجهی؟



میتوانی باهاش مثل سفیدپوستا رفتار کنم؟

نه، من همینطوری بگریزیم.

پس دیگه نمیدونم شما چی میفکرید، اریاب.

بله... متوجهم



اسم اون پسر سفیدپوست قبییری که توی کارگاه شیشه‌سازی کار میکنه چه؟ مامانش توی الوار فروشی کار میکنه.

اوه، منظور تون چیه؟

آره، تودش، اسم پسره چیه.



چری رو میشناسی دیگه، مگه نه عسلم؟

بله اریاب

خب پس همونطوری... درست مثل چری باهاش رفتار کن.



تو برای اریابت چکار میکنی؟

نشیدی وقتی به مرده میگفت؟ من برده نیستم.

یعنی تو واقعا آزادی؟

بله

منظورت اینه که به میل خودت اینطوری لباس پوشیدی؟



من با اهل فن صحبت کرده م و اونا میکنن قشنگ ترین نژاد آفریقایی تو ایالت تتسیج تو زمین های شما پرورش داده میشه. و با توبه به چهره ی این فرشته های سیاه،هنای من اشتباه نمیگردن!

اوممن مهم خودم رو از سیاه سوخته ها، صورت امیبی ها و فاقشه های لته کنده بیرون انداختم، اما اسبای کوچولومون واقعا نقطه ی قوت این مزرعه ن.



ایواک، این چیزیه که دنبالشتم، یه اسب کوچولو برای چانگو.

پس تنها سوالی که میمونه اینه که سیاهپوستی اینتا هست که پنج هزار دلار بیارزه؟

آقای شولتر، من به سیاه پوستای پنج هزار دلاریم معرفم.



یتینا، باید ازت یه سوالی بپرسم.

چی میخوای؟



من دنبال سه تا سفیدپوست میگردم. سه تا برادر، سرپرست های مزرعه هستن. فامیلشون بریتلک هستن. میشناسیشون؟

بریتلک؟

آره، بریتلک جان بریتلک، الیس بریتلک، رایپر بریتلک بعضی وقتا بهش میگن رایج فسقلی.

نمیشناسم.



منظورت شیفرف هاس؟

شاید دارن از یه اسم دیگه استفاده میکنن. باید حواک و حوش سال گذشته اومده باشن این دور و بر.

شاید سه تا برادرن؟

آها

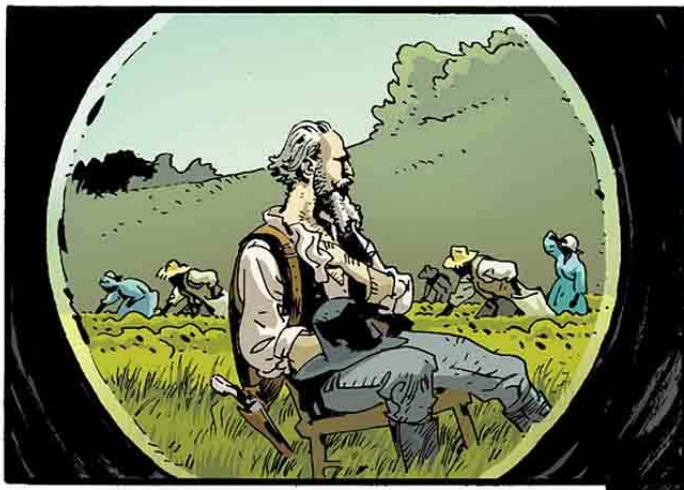


همیتان؟

آها

میتونی با انگشت بهم نشونشون بدی؟

قب، یکیشون اونجا توی اون زمین زراعی هست.



دنیال همین میگردی؟

آره



اوت دو نفر
دیگه کجاست؟

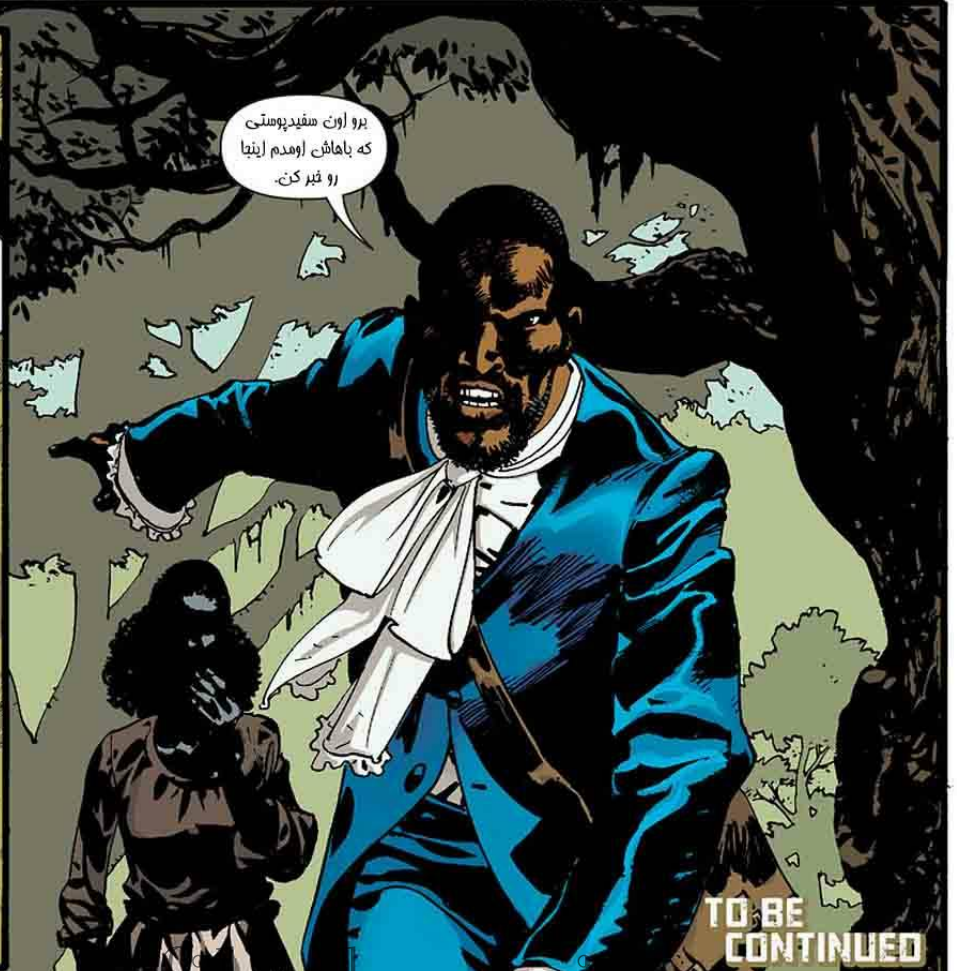
کنار اصطبل، دارن
«چودی» رو برای شکوندن
تتمه مرغ تنبیه میکنن.

دارن چودی رو شلاق
میزنن؟



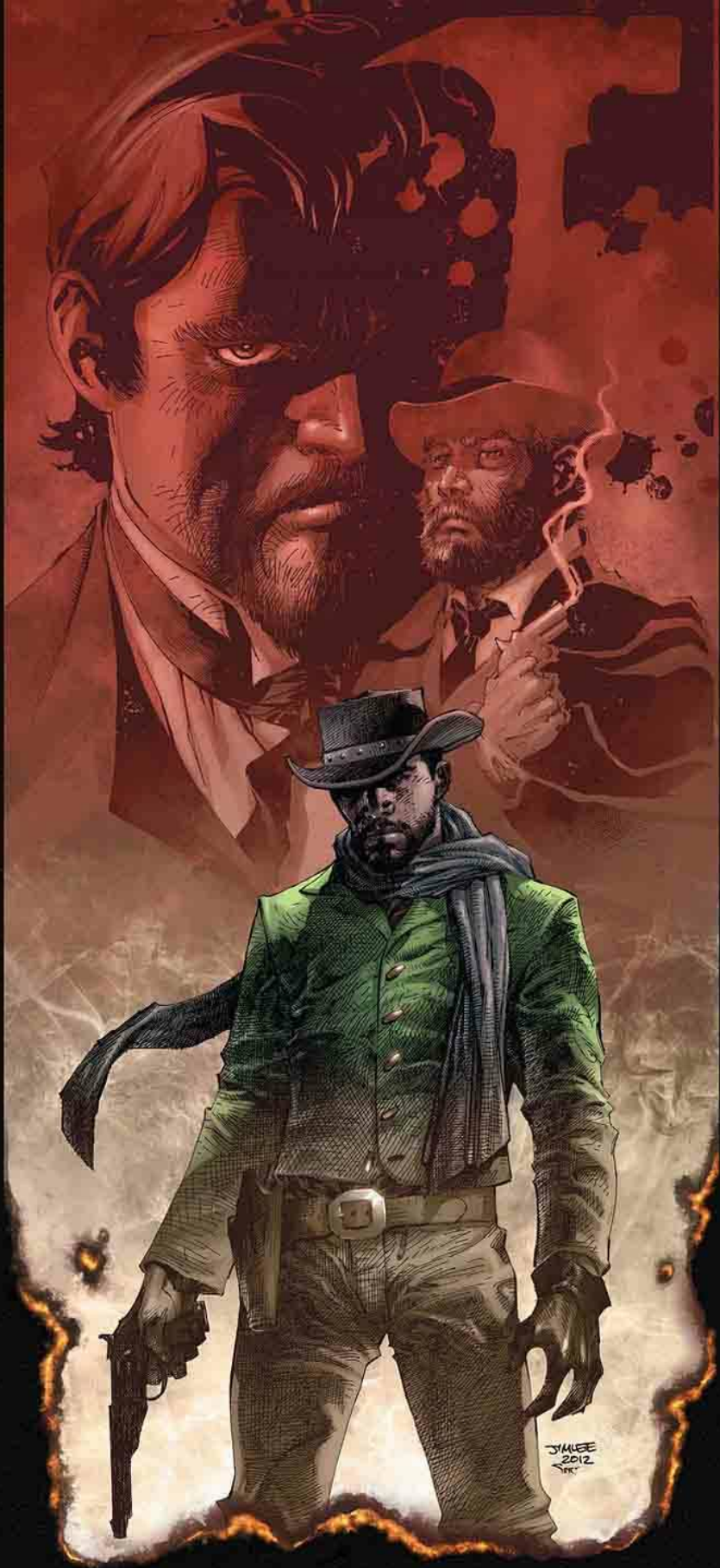
نشون بده کجاست.

برو تا اوت
درخت و بعد
به اوتن مهت
برو.



برو اوتن سفیدپوستی
که باهاتن اومدم اینجا
رو غیر کن.

TO BE
CONTINUED



DJANGO

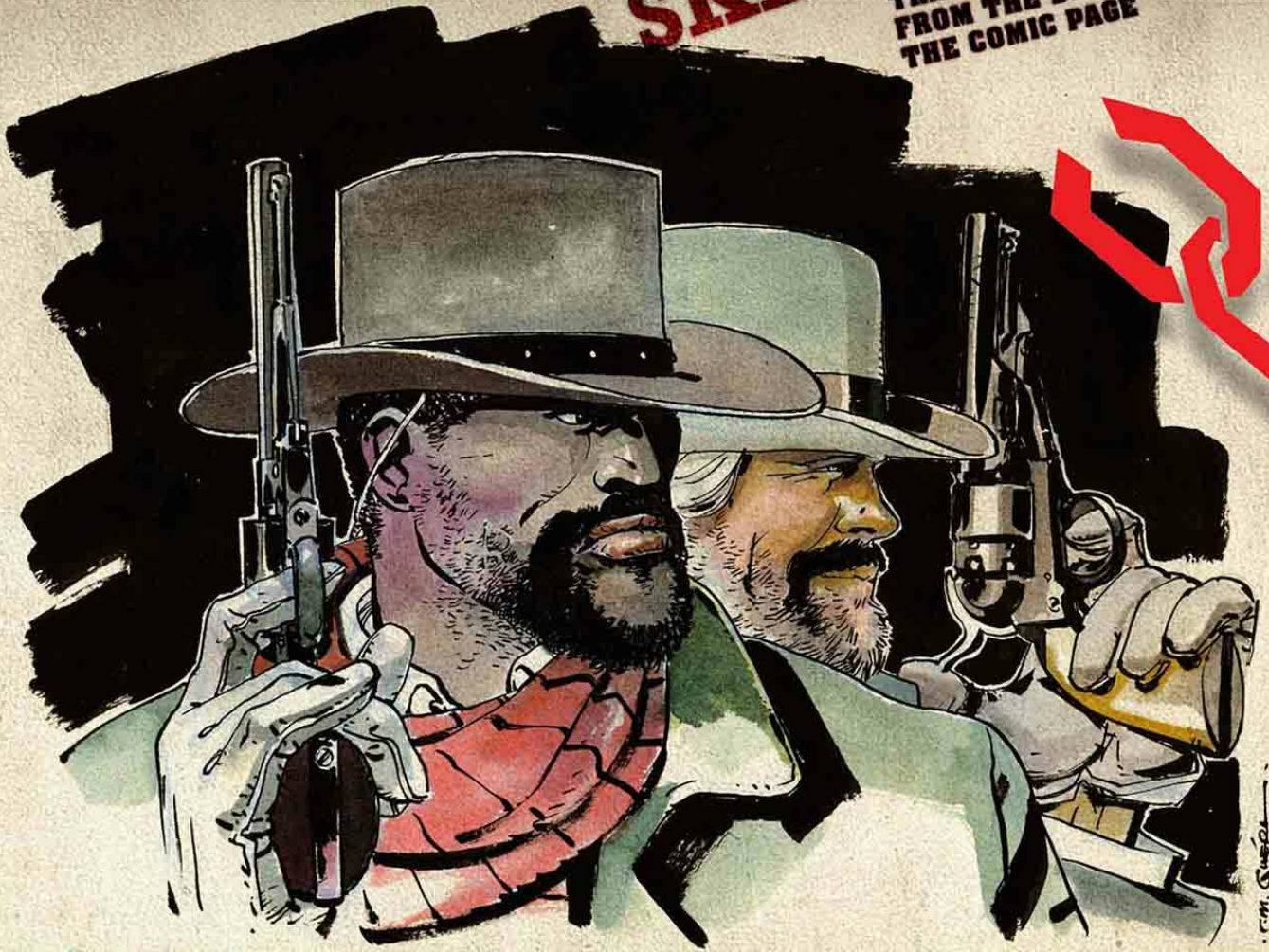
U N C H A I N E D

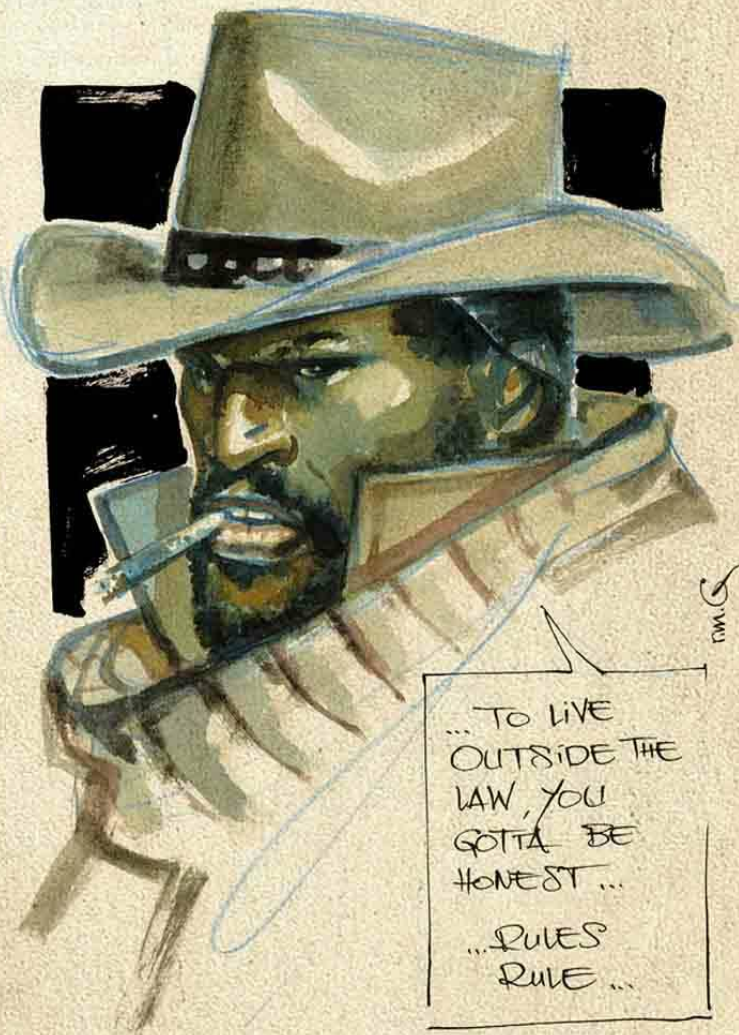
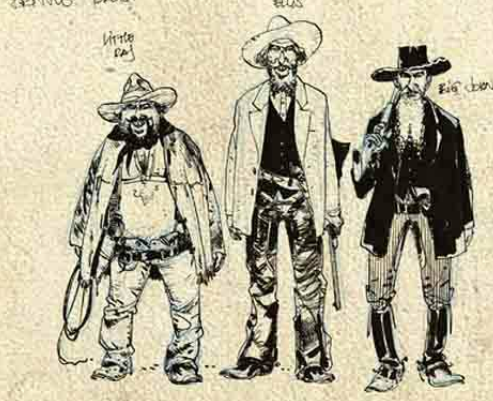
DJANGO

UNCHAINED

SKETCHBOOK

TRANSFORMING THE FILM
FROM THE BIG SCREEN TO
THE COMIC PAGE





... TO LIVE
OUTSIDE THE
LAW, YOU
GOTTA BE
HONEST ...
... RULES
RULE ...

SPENCER
BENNETT (Big Daddy)





R.M. Guera



Artist **R.M. Guera** (**SCALPED**) was given that task of making this adaptation of **DJANGO UNCHAINED** a work that could stand on its own apart from the film. The characters were not to be exact likenesses of the actors playing them. All of the pieces in this sketchbook are Guera's original concept drawings for some of the main players in the story.



R.M. Guera

DJANGO

U N C H A I N E D

VERTIGO
#1

Feb '13

suggested for
mature readers
vertigo.comics.com



THE NEW FILM BY QUENTIN TARANTINO